Journal of Educational Sciences *(JES)*

Original Article

Spring & Summer, 2026, *33*(1), 1-18.
DOI: 10.22055/EDUS.2024.47003.3608

ISSN (E): 2588-672x
https://education.scu.ac.ir/

The Lived Experience of Faculty Members of Academic Freedom at Ferdowsi University of Mashhad

Fatemeh Ahmadi[1], Rezvan Hosseingholizadeh[2], Mojtaba Bazrafshan Moghadam[3]

1. Master's student in Educational Adinistration, Department of Educational Adinistration and Human Resources Development, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.
2. Associate Professor, Department of Educational Adinistration and Human Resources Development, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad. Iran.
3. Associate Professor, Department of Educational Adinistration and Human Resources Development, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

Article Info

Received: 24 Mar 2025
Revised: 01 Aug 2025
Accepted: 05 Sep 2025
Published: 20 Apr 2026

Corresponding Author:
Rezvan Hosseingholizadeh

Email:
rhgholizadeh@um.ac.ir

Keywords:
academic freedom, faculty members, lived experience, university

Abstract

This study aimed to describe faculty members lived experiences of academic freedom at Ferdowsi University of Mashhad and to identify the major dimensions shaping these experiences. A qualitative descriptive phenomenological approach was employed. The participants were 18 faculty members selected purposively from different academic disciplines and academic ranks. Data were collected through in-depth semi-structured interviews conducted until data saturation was reached. The interview data were analyzed using Strauss and Corbin's coding procedures, and the trustworthiness of the findings was assessed based on Lincoln and Guba's criteria of credibility, dependability, confirmability, and transferability. The analysis identified five main themes: educational freedom, research freedom, individual freedom, cultural freedom, and organizational freedom. Educational freedom reflected participants' experiences of autonomy and restriction in selecting teaching methods, organizing course content, managing classroom activities, and making educational decisions. Research freedom concerned opportunities and constraints related to choosing research topics, conducting and publishing research, obtaining financial support, and complying with institutional evaluation requirements. Individual freedom represented faculty members' personal understandings of academic freedom and the influence of professional experience and individual characteristics. Cultural freedom highlighted the effects of social and political conditions, organizational culture, interpersonal relationships, and freedom of expression. Organizational freedom encompassed university autonomy, centralized governance, institutional regulations, promotion policies, job security, and disciplinary differences. Overall, academic freedom emerged as a multidimensional and context-dependent phenomenon shaped by individual, disciplinary, cultural, and organizational conditions. Strengthening university autonomy, revising restrictive policies, and fostering scholarly dialogue may contribute to a more supportive environment for academic freedom.

How to Cite: Ahmadi, F., Hosseingholizadeh, R., & Bazrafshan Moghadam, M. (2026). The lived experience of faculty members of academic freedom at Ferdowsi University of Mashhad, *Journal of Educational Sciences (JES)*, *33*(1), 1-18. https://doi.org/10.22055/edus.2024.47003.3608 [Persian]

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (CC BY NC)

علوم تربیتی

مقاله پژوهشی

بهار و تابستان ۱۴۰۵، دوره چهارم، سال ۳۳، شماره ۱، ص‌ص: ۱۸-۱
شاپا آنلاین: ۲۵۸۸-۶۷۲X
DOI: 10.22055/EDUS.2024.47003.3608
https://education.scu.ac.ir/

ادراک و تجربه زیسته اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از آزادی آکادمیک

فاطمه احمدی[۱]، رضوان حسین‌قلی‌زاده[۲]، مجتبی بذرافشان مقدم[۳]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. دانشیار گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. ایران.
۳. دانشیار گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱

نویسنده مسئول:
رضوان حسین‌قلی‌زاده

ایمیل:
rhgholizadeh@um.ac.ir

واژه‌های کلیدی:
آزادی آکادمیک، اعضای هیأت علمی، تجربه زیسته، دانشگاه

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مطالعه توصیف تجارب زیسته اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از آزادی آکادمیک می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناسی توصیفی بهره گرفته‌شد. کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد نمونه مورد مطالعه را تشکیل دادند که ۱۸ نفر به عنوان پژوهیده‌ها و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌های موردنیاز از مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته و برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل استراوس و کوربین استفاده شد. همچنین برای اعتباربخشی یافته‌ها از ملاک‌های چهارگانه لینکلن و گوبا استفاده شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پنج مضمون اصلی آزادی آموزشی، آزادی پژوهشی، آزادی فردی، آزادی فرهنگی و آزادی سازمانی به عنوان تجربه اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از آزادی آکادمیک استخراج شد. در مضمون آزادی آموزشی و پژوهشی نتایج به دست آمده ناظر بر تجربه متفاوت اعضای هیأت علمی از آزادی و محدودیت در این دو مضمون می‌باشد. مقوله‌های مربوط به فرد و ادراک اعضای هیأت علمی از آزادی آکادمیک ذیل مضمون آزادی فردی قرار گرفتند. همچنین مضمون آزادی فرهنگی بیانگر پیوند بین فرهنگ اجتماعی، سیاسی و جامعه با آزادی آکادمیک می‌باشد و در پایان مضمون آزادی سازمانی به مقوله‌های مرتبط با سازمان و ساختار دانشگاه اشاره می‌کند.

استناد به این مقاله: احمدی، ف.، حسین‌قلی‌زاده، ر.، و بذرافشان مقدم، م. (۱۴۰۵). ادراک و تجربه زیسته اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از آزادی آکادمیک، علوم تربیتی، (۱)۳۳، ص‌ص: ۱-۱۸. https://doi.org/10.22055/edus.2024.47003.3608

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (CC BY NC)

مقدمه

در اقتصاد دانش محور که هم اکنون محوریت توسعهٔ پایدار و همه جانبه را از آن خود ساخته است، تولید و به کارگیری دانش کلید اصلی توسعه هرکشور محسوب می‌شود. در فرایند تولید دانش، نقش نخبگان معناساز یا گروه‌های مرجع که کنش‌های معطوف به ارتباط، فهم و نقد را برعهده دارند برجسته و بارز است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها مهم‌ترین گروه‌های نخبه‌ی معناساز هستند که با سه کنش تدریس، پژوهش و ارائه خدمات، زندگی دانشگاهی را تجربه می‌کنند (Noorshahi & Farastkhah, 2012). یکی از عوامل مؤثر بر فرایند تولید دانش توسط اعضاء هیئت علمی، آزادی آن‌ها در دانشگاه است (Alinejad, 2013؛ Ghiashi Nadushan & Nasiri, 2013). Romanowski and Nasser (2010) اظهارداشتند که ارائه تعریف ثابت از آزادی آکادمیک[1] دشوار است؛ زیرا هیچ تعریف واحدی نمی‌تواند تمام پیچیدگی‌های مرتبط با این مفهوم را پوشش دهد. همچنین Owusu-Ansah (2015) در پژوهش خود بر این نکته تأکید می‌کند که محتوا و مفهوم آزادی آکادمیک هرگز روشن نشده است، اما یکی از مباحثی که همواره ذهن انسان را به خود مشغول نموده است، دست یافتن به آزادی در اشکال مختلف آن بوده است (Nikneshan، 2023). آزادی تحت شرایط مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و روابط قدرت معانی متفاوتی به خود گرفته است و در بستر تاریخ به شکل‌های مختلف درک شده است؛ به گونه‌ای که از دوران قرون وسطی، که آزادی آکادمیک را به معنای آزادی استاد برای تدریس بدون کنترل بیرونی در حوزه تخصص خود می‌دانستند و در اوایل قرن نوزدهم که مفهوم آزادی آکادمیک را در خدمت آموزش و یادگیری معنا می‌کردند و تا به اکنون که آن را حق جستجوی حقیقت (De Groof et al., 1998) و یک ارزش محوری برای آموزش عالی می‌دانند، دستخوش تغییر بوده است (Altbach, 2001). Encyclopedia Britania (2002) نیز ظرافت این مفهوم را با عنایت به عناصر اصلی آزادی آکادمیک روشن تر می‌سازد: آزادی استادان برای پژوهش در هر موضوعی که دغدغه فکری آن‌هاست، ارائه یافته‌های خود به دانشجویان و همکاران، انتشار و بیان یافته‌هایشان بدون کنترل یا سانسور و تدریس به شیوه ای حرفه ای که این عناصر را برای بسترهای مختلف مشترک می‌داند.

اهمیت این مطالعه از اهمیت موضوع آن نشأت می‌گیرد، زیرا آزادی آکادمیک از جمله ضرورت‌های نظام آکادمیک است که برای دستیابی به پیشرفت، توسعه و شکوفایی دانشگاه‌ها از شرایط و ضوابط لازم و ضروری است (Abu-Shaqra & Smadi, 2018). همچنین، توسعه دانشگاه‌ها و ارتقای کیفیت عملکرد آنها از عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای و ملی تلقی می‌شود و آزادی آکادمیک نیز یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر ایفای این نقش در دانشگاه‌هاست(Darbandi et al., 2024). Taherpour and Pourshafei (2025) نیز ایجاد محیطی که اعضای هیئت علمی بتوانند در آن آزادانه به آموزش، پژوهش و نوآوری بپردازند، را یکی از پیش‌نیازهای تحقق اهداف توسعه آموزش عالی تلقی نموده اند. در این راستا Gottfredson (2010) اظهار می‌دارد، تلاش هر استاد برای حفظ صیانت از حق آزادی، تجربه ای متفاوت و متناقض از دیگری را رقم خواهد زد و درک این تجربه‌هاست که کمک می‌کند تا بدانیم آزادی آکادمیک با چه کم و کیفی در دانشگاه، حاکم است. مطالعات صورت گرفته در حوزه آزادی آکادمیک را می‌توان در دو دسته طبقه بندی کرد. دسته اول پژوهش‌هایی با رویکرد کمی معطوف به سنجش میزان آزادی آکادمیک در دانشگاه بوده‌اند (Karimian et al., 2011؛

1- Academic Freedom

Alinejad, 2013؛ Dehghani et al., 2011؛ Ghiashi Nadushan & Nasiri, 2013؛ Nazarzadeh et al., 2016؛ Zain-Al-Dien, 2016؛ Abu-Shaqra & Smadi, 2018؛ Al-Madi, 2013؛ Barger, 2010؛ Ceci et al., 2006). دسته دوم پژوهش‌ها با استفاده از دو رویکرد کیفی یا آمیخته به ادراک اعضای هیأت علمی و دانشجویان از مفهوم آزادی آکادمیک پرداخته‌اند (Romanowski & Nasser, 2010؛ Walz, 2017؛ Degefa, 2015؛ Hoepner, 2019؛ Salimi & Abdi, 2017؛ Kerlind & Kayrooz, 2003؛ Butterfield & Levintova, 2011؛ Dykstra et al., 2011؛ Bennich-Bjorkman, 2007). با استناد به نتایج این مطالعات که گاهاً نتایج متناقضی دارند، درکی واحد از آزادی آکادمیک وجود ندارد؛ همچنین با تمام تلاش‌های انجام شده در مورد معنا و مفهوم این موضوع، مرتبه علمی، جنسیت، دانشکده و جوّ حاکم بر آن کاملاً بر میزان آزادی آکادمیک و ادراک اعضای دانشگاه از این موضوع مؤثر است. Burgess (2013) و Walz (2017) خاطرنشان می‌کنند فقدان تحقیقات کیفی در مورد این که اعضای هیأت‌علمی دانشگاه چگونه آزادی آکادمیک را درک می‌کنند و با چه کیفیتی از آن برخوردار هستند، وجود دارد. Ghoorchian and Shahrakipoor (2010) و Vardasbi et al. (2022) در پژوهشی، سه وظیفه اصلی آموزشی، پژوهشی و خدم به جامعه را برای دانشگاه‌ها در سطوح بین‌المللی ترسیم کردند و بیان داشتند نظام‌های ارزیابی برای اطمینان از حصول این وظایف ایجاد شده‌اند. اصلی‌ترین ملاک نظام‌های ارزیابی معتبر دنیا، فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه‌هاست که برنامه‌های رشد و بالندگی اعضای هیأت علمی در این حیطه‌ها می‌تواند بستر مناسبی برای ایجاد تحول در دانشگاه‌ها فراهم نماید (Darvishi et al., 2022). بنابراین آزادی آکادمیک به عنوان یکی از الزامات فعالیت دانشگاهی اعضای هیأت علمی، در چگونگی بروز و ظهور و توسعه هرچه بیشتر این فعالیت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند و می‌تواند در بستر نتایج حاصل از نظام‌های ارزیابی دنیا به نحوی قابل تفسیر باشد. بنابر اعلام معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع دانشگاه فردوسی مشهد نیز در مورد جایگاه علمی دانشگاه در نظام‌های ارزیابی لایدن[1] و وبومتریکس[2] در سال 2020، دانشگاه مذکور به ترتیب رتبه‌های ٤٥٩ و ٩٦٠ را در جهان از این ارزیابی‌ها کسب کرده است (Ferdowsi University of Mashhad News Agency, 2021). بنابراین با توجه به موارد اشاره شده و همچنین در دسترس بودن میدان پژوهش و امکان دسترسی بهتر برای دریافت داده‌های مورد نیاز جهت توصیف تجارب زیسته اعضای هیأت علمی، دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان میدان پژوهش انتخاب گردید. سؤال پژوهش این است که اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، آزادی آکادمیک را چگونه تجربه کرده‌اند؟

روش

در این پژوهش جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش مبنی بر توصیف تجارب زیسته اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از آزادی آکادمیک از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. پژوهیده‌های این پژوهش را اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و طبق معیارهای مورد نظر انتخاب شدند. Smith and Osborn (2003) در تحلیل پدیدارشناسی، نمونه‌گیری باید هدفمند و نمونه‌ها تا حد زیادی یکدست و کوچک باشند. معیارهای نمونه‌گیری هدفمند در این مطالعه عبارتند از: ۱) اعضای هیأت علمی منتخب به عنوان

1- Leiden
2- Webometric

پژوهشگر برتر؛ ۲) اعضای هیأت علمی منتخب سرآمد آموزشی؛ ۳) اعضای هیأت علمی دارای تجربه توبیخ از سوی دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه؛ ٤) اعضای هیأت علمی تشویق شده از سوی دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه؛ ۵) اعضای هیأت علمی که بر هر دلیلی دانشگاه مانع از انجام فعالیت آن‌ها شده است، و ٦) اعضای هیأت علمی که تجربه تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور را داشته‌اند. همچنین تلاش شد در انتخاب نمونه جنسیت، مرتبه علمی (استادیار، دانشیار و استادتمام) در انواع رشته‌های تحصیلی (علوم پایه، مهندسی، علوم انسانی و منابع طبیعی) نیز از ملاک‌های مورد توجه باشد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه، در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

Table 1. Demographic characteristics of interviewees

کد مصاحبه شونده Interviewee code	جنسیت Gender	رشته تحصیلی Field of Study	مرتبه علمی Academic Rank	سابقه خدمت Years of service
AE	مرد	اقتصاد	دانشیار	28
AC	مرد	مهندسی عمران	دانشیار	8
AQ	مرد	علوم قرآن و حدیث	استادیار	7
PM	مرد	ریاضی محض	استادیار	11
JE	زن	مبانی تعلیم و تربیت	دانشیار	26
DW	مرد	علوم و مهندسی آب	استاد	20
SL	مرد	زبان و ادبیات فارسی	استادیار	9
SPSY	زن	روانشناسی مشاوره و تربیتی	استادیار	6
ME	مرد	معارف اسلامی	دانشیار	30
SP	مرد	علوم سیاسی	دانشیار	26
AP	زن	تربیت بدنی و علوم ورزشی	استادیار	7
GHPH	مرد	فیزیک	استاد	15
KE	مرد	مطالعات برنامه درسی و آموزشی	دانشیار	10
MG	مرد	جغرافیا	استادیار	11
MM	مرد	مهندسی متالورژی و مواد	استادیار	8
MVM	مرد	ریاضی محض	استاد	31
NH	زن	تاریخ	استادیار	6
NE	مرد	معارف اسلامی	استادیار	4

در این مرحله از پژوهش، بر اساس اعلام و تأیید دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه فردوسی مشهد، لیستی از اعضای هیأت علمی توبیخی و تشویقی طی سال‌های اخیر دریافت شد. پس از اطلاع رسانی از طریق ایمیل، تعدادی از اعضای هیأت علمی حاضر به همکاری شدند. همچنین در طول مصاحبه‌ها تعدادی از مشارکت‌کنندگان به روش گلوله برفی شناسایی شدند. مصاحبه‌ها به شکل حضوری و غیر حضوری انجام شدند. با معیار قرار دادن اشباع نظری، ۱۵ نفر از اعضای هیأت علمی مورد مصاحبه قرار گرفتند. در یک پژوهش کیفی زمانی نظریه دارای اعتبار است که پژوهشگر به نقطهٔ اشباع رسیده باشد. علاوه بر این تعداد، به منظور اعتباریابی نتایج با ۳ نفر دیگر از اعضای هیأت علمی مصاحبه انجام شد. بنابراین در مجموع با ۱۸ نفر از اعضای هیأت علمی مصاحبه انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساخت یافته با اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد که به عنوان پژوهیده‌ها شناسایی شدند، گردآوری شد. همچنین جهت تحلیل

داده‌ها، از روش کدگذاری استراوس و کوربین استفاده شد. لازمه تحلیل غوطه‌ور شدن محقق در اطلاعات کسب شده است؛ از این جهت پژوهشگر از تحلیل خرد (ترکیبی از کدگذاری باز و کدگذاری محوری) برای تحلیل سطر به سطر داده‌ها جهت تولید مقوله‌ها و مطرح ساختن روابط آن‌ها با یکدیگر استفاده کرده است (Strauss & Corbin, 2011). کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد (Flick, 2006). در همین راستا و در جهت شناسایی مفاهیم، تمامی مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر چندین بار شنیده و سپس عین جملات مصاحبه شوندگان تایپ و تبدیل به نوشتار شد و سپس مراحل کدگذاری با توجه به سؤال تحقیق آغاز شد. مفاهیم استخراج شده از متون مصاحبه‌ها بعد از برچسب‌گذاری، دسته‌بندی و ذیل یک مفهوم انتزاعی‌تر به نام مقوله قرارگرفتند. پس از شناسایی مقوله‌ها، پژوهشگر وارد مرحله کدگذاری محوری شد و فرآیند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی را در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها آغاز کرد. در این مرحله آن دسته از مقوله‌هایی که با سؤال تحقیق بیشترین ارتباط را دارند، از میان کدهای بوجودآمده انتخاب و تحت عنوان مضامین یا تم‌ها دسته‌بندی شدند و به نگارش درآمدند سپس مقوله‌های اصلی به صورت منطقی و تحلیلی ذیل تم‌ها توضیح داده شد و پیوند بین هرکدام تشریح شد (Strauss & Corbin, 2011). در این پژوهش برای اعتباریابی نتایج داده‌های کیفی، ملاک اعتباریابی Lincoln and Guba (1985) مبتنی بر ٤ اصل (اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، تاییدپذیری و اطمینان‌پذیری) مورد استفاده قرار گرفت. برای این منظور جهت تأمین اعتبار نتایج تلاش شد تا از مفاهیم اختصاص یافته به کدهای مستخرج از متن مصاحبه‌ها ضمن برگشت مجدد به پژوهیده‌ها اطمینان حاصل شود و در صورت ابهام با عدم درک درست ادراک پژوهیده به آنها مراجعه و شفاف‌سازی می‌شد. به منظور تسهیل انتقال‌پذیری، پژوهشگر تلاش نمود تا توصیف روشنی از ویژگی پژوهیده‌ها، روند جمع‌آوری داده‌ها و فرآیند تحلیل ارائه دهد تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. همچنین با ارائه دقیق گزارش دقیق از متن مصاحبه‌ها، نقل قول‌ها و مستندسازی فرایند تحلیل داه‌ها، اطمینان از امکان بررسی مجدد برای محققان دیگر فراهم شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، در این پژوهش پنج مضمون اصلی شناسایی و استخراج شد که عبارتند از مضمون آزادی آموزشی، آزادی پژوهشی، آزادی فردی، آزادی فرهنگی و آزادی سازمانی. مضامین بیانگر تجربه‌ی اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، از آزادی آکادمیک می‌باشد.

آزادی آموزشی	آزادی پژوهشی	آزادی فردی	آزادی فرهنگی	آزادی سازمانی
• آزادی در آموزش • سختگیری و محدودیت در آموزش	• آزادی در پژوهش • سختگیری و محدودیت در پژوهش	• ادراک آزادی • تعارض منافع (شخصی و سازمانی) • اعمال سلایق به جای قوانین	• آزادی فرهنگی–اجتماعی • آزادی بیان • آزادی مبتنی بر تعامل استاد–دانشجو • آزادی مبتنی بر مسائل سیاسی و فضای حاکم بر دانشگاه	• تمرکزگرایی و عدم استقلال دانشگاه • آزادی بیشتر در گرو سابقه کاری بالاتر • آزادی مبتنی بر ماهیت رشته ها • آزادی ساختاری • تعهد سازمانی

شکل ۱. مضامین و مقوله‌ها

Figure 1. Themes and categories

با توجه به اهمیت آموزش که یکی از اصلی ترین کارکردهای دانشگاه می‌باشد، ذیل مضمون آزادی آموزشی مقوله‌هایی همچون آزادی درآموزش و سختگیری و محدودیت در آموزش دیده می‌شود. تعدادی از استادان در زمینه آموزش به دلیل تعیین محتوای درسی و سرفصل‌ها، شیوه ارزشیابی دانشجویان، برنامه ریزی درسی، احساس آزادی می‌کردند در حالی که تعداد زیادی از استادان در مفاهیم قبلی و همچنین در انتخاب دانشجو، واحدهای زیاد آموزشی که فرصت انجام پژوهش‌های عمیق را از آنها می‌گیرد، احساس محدودیت می‌کردند. نکته مهم و قابل تأمل تفاوت‌هایی است که در رشته‌های آموزشی مختلف همچون علوم پایه، مهندسی، کشاورزی و علوم انسانی وجود داشت و در مواردی که امکان تغییر زیادی در سرفصل دروس نبود، محدودیت در آموزش هم بیشتر بود. همچنین درک و آگاهی استادان از قوانین نیز بر آزادی آنها در مقوله آموزش مؤثر بود؛ به گونه ای که اساتیدی که از امکان تغییر سرفصل‌ها و تصویب آنها مطلع بودند، در مفهوم تعیین محتوا احساس محدودیتی نداشتند. به طورنمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان داشت که: «در حوزه آموزش ما یه سرفصل‌هایی داریم که باز خودمون تعیین می‌کنیم من در حوزه آموزشی احساس می‌کنم اون آزادی عمل رو دارم.» در جدول ۲ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی آموزشی را مشاهده می‌کنید.

جدول ۲. مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی آموزشی

Table 2. Categories and concepts related to the theme of educational freedom

مقوله‌ها Categories	مفاهیم concepts
آزادی در آموزش	عدم محدودیت در آموزش، آزادی در نحوه ارزشیابی، آزادی بیشتر در آموزش نسبت به پژوهش، آزادی در تعیین محتوا و سرفصل‌ها، عدم محدودیت در آموزش و تدریس، حداقل بودن کنترل گرهای بیرونی در آموزش، محدودیت‌های حداقلی در آموزش، آزادی در برنامه ریزی درسی، آزادی در انتخاب و اتخاذ تصمیمات کاری
سختگیری و محدودیت در آموزش	احساس منفی نسبت به آزادی‌های مخرب درسیستم آموزشی، محدودیت در تعیین محتوای درسی، سختگیری در ثبت حضور و غیاب دانشجوها، محدودیت در انتخاب دانشجو تحصیلات تکمیلی، مواجهه با دانشجویان تازه وارد، محدودیت در آموزش با جهت‌گیری‌های قانونی، کاهش اقتدار استاد و محدودیت در نتیجه ارزیابی استاد توسط دانشجو، سختگیری در نحوه فرآیند ارزشیابی دانشجوها، محدودیت در کلاس‌های آموزشی از حیث دیدگاه‌های مختلف بین استاد و دانشجو، محدودیت از حیث نظارت بر طرح درس و محتوای درسی استادان، محدودیت به دلیل واحدهای زیاد آموزشی، محدودیت در ارائه واحدهای کاربردی، نا مناسب بودن سرفصل‌های مصوب درسی برای همه ی مناطق کشور

به مانند آموزش، پژوهش نیز کارکرد دیگر دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم در کشور می‌باشد. این مضمون مقوله‌هایی همچون آزادی در پژوهش و سختگیری و محدودیت در پژوهش را شامل می‌شود. در خصوص انجام فعالیت‌های دانشگاهی، در حوزه پژوهش همانند حوزه آموزش، نظرات متفاوتی از جانب پژوهیده‌ها اذعان شد که پژوهشگر آن‌ها را با عنوان آزادی و محدودیت در پژوهش تحلیل کرده‌است. در این حوزه تجربه‌ی تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در رابطه با پرداختن به علایق پژوهشی و مطلوب بودن فضای پژوهشی در دانشگاه نشان از وجود آزادی در پژوهش بود که استادان رشته‌های فنی–مهندسی، علوم پایه و کشاورزی به نسبت استادان رشته علوم انسانی

در مفهوم پرداختن به علایق پژوهش و انتخاب موضوعات پژوهشی، آزادی بیشتری داشتند؛ این در حالی است که محدودیت‌ها در این حوزه در مورد موضوع پژوهش، شیوه انتشار نتایج، تعداد پژوهش‌ها و آیین‌نامه‌های سختگیرانه بسیار زیاد است. استادان برخی رشته‌های علوم انسانی همچون علوم دینی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی به محدودیت‌های زیادی در حوزه انتشار نتایج پژوهش‌ها اشاره کردند. به طورنمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشت که «برخلاف بُعد آموزش، بُعد پژوهش آزادی عمل بیشتری برای استاد داره و هنوز استاد می‌تونه روی علاقه پژوهشی خودش و موضوعاتی که به اونها علاقه‌منده کار کنه از این جهت آزادی عمل بیشتری داره در انتخاب موضوعات، در انجام پژوهش و ارائه سخنرانی‌ها و مقالات.» در جدول ۳ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی پژوهشی را مشاهده می‌کنید.

جدول ۳. مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی پژوهشی

Table 3. Categories and concepts related to the theme of research freedom

مقوله‌ها Categories	مفاهیم concepts
آزادی در پژوهش	عدم محدودیت در پژوهش، آزادی در پژوهش در رشته‌های فنی و علوم پایه، آزادی در انتخاب موضوعات پژوهشی، آزادی در پژوهش مربوط به سلامت انسان، فضای آرام و مهیا برای پژوهش
سختگیری و محدودیت در پژوهش	محدودیت در پژوهش، محدودیت در انتشار و ارائه نتایج پژوهش‌ها، محدودیت به دلیل جهت گیری‌های قانونی و آیین نامه‌های سختگیرانه پژوهشی، محدودیت در برخی رشته‌های علوم انسانی، جوّ نامناسب پژوهش و مقاله محور شدن دانشگاه، کاربردی نبودن پژوهش‌ها، جهت دادن به علایق پژوهشی استادان، گره خوردن آزادی در پژوهش با امکانات، محدودیت دستاوردهای علمی به دلیل کمبود امکانات، عدم تطابق انتظارات دانشگاه از استادان با امکانات موجود

آزادی فردی مقوله‌هایی همچون ادراک آزادی، تعارض منافع (شخصی و سازمانی) و اعمال سلیقه‌ها به جای قوانین را شامل می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، مفهوم آزادی آکادمیک تا حد زیادی بستگی به احساس و ادراک فرد دارد. همچنین برخی ویژگی‌های فردی می‌تواند ادراک افراد را از ماهیت آزادی تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به تجربه مصاحبه‌شوندگان، باید گفت آیین‌نامه‌ها در خصوص فعالیت‌های دانشگاهی سبب ایجاد تعارض بین وظایف عمومی و منافع شخصی استادان می‌شود به طوری که آیین‌نامه‌ها کاملا با مواردی چون فرآیند جذب و استخدام و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی در ارتباط است و اگر استادان امتیازات لازم را نتوانند کسب کنند، فرآیندهای مذکور دچار اختلال خواهد شد. به علاوه اعمال سلیقه‌ها شخصی مدیران در رابطه با استادان و به بیان دیگر سلیقه‌ای برخورد کردن مدیران با استادان از جمله اعمال دلسردکننده‌ای بود که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد. به طور نمونه یکی از مصاحبه-شوندگان بیان کرد «ولی خیلی به خود آدم بستگی داره. ممکنه یکی اینجوری باشه که وقتی داره نظرش رو میگه به سمت تعصب بره، ممکنه عصبانی بشه، ممکنه حرفشو با شکل مناسبی نتونه بگه و بنابراین تأثیرگذاریش از بین میره، بعد احساس کنه که من آزادی ندارم ... یه مقدار به کاراکتر خود آدما بستگی داره ...» در جدول ٤ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی فردی را مشاهده می‌کنید.

جدول ٤. مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی فردی

Table 4. Categories and concepts related to the theme of individual freedom

مقوله‌ها Categories	مفاهیم Concepts
ادراک آزادی	روحیه مطالبه‌گری، احساس یکنواختی در دانشگاه، نگرش واقع بینانه به محدودیت‌های طبیعی، وابستگی محدوده آزادی به توانایی نقد کردن، آزادی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی، پایبندی به اصول اخلاقی، آزادی مبتنی بر نحوه بیان و نقد منطقی، ادراک صحیح از جبر و اختیار، زیرکی و عدم ایجاد حساسیت، وابسته به شخص بودن آزادی، لزوم سعه صدر و تحمل بالای مدیران
تعارض منافع (شخصی و سازمانی)	گره زدن مقررات آموزشی و پژوهشی به منافع استادان، تبعات غیرقابل پیش‌بینی در قبال عدم رعایت قوانین، برخورد نهادهای داخل و خارج با استاد خاطی
اعمال سلیقه‌ها به جای قوانین	محدودشدن آزادی با باندبازی و اعمال سلیقه‌ها شخصی در دانشگاه، سلیقه‌ای برخورد کردن دانشگاه با استادان، عدم اطلاع استادان از معیارهای ارزیابی مدیران، جذب استادان بر اساس روابط نه ضوابط، اعمال نظرات شخصی مدیران در تدوین قوانین

آزادی فرهنگی مقوله‌هایی همچون آزادی مبتنی بر مسائل سیاسی و فضای حاکم بر دانشگاه، آزادی فرهنگی_اجتماعی، آزادی بیان و آزادی مبتنی بر تعامل استاد_دانشجو را شامل می‌شود. به زعم مصاحبه‌شوندگان موضوع بسیار مهمی که آزادی آکادمیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توجه به مسائل سیاسی و فضای حاکم بر دانشگاه است. فرهنگ نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که باورها و ذهنیت و رفتار انسان‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر اجتماع کوچکی باورها، نگرش‌ها و مفروضات خاص خود را دارد و دانشگاه نیز به عنوان اجتماعی کوچکتر از جامعه، فرهنگ خاص خود را دارد و بسیاری از مناسبات انسانی در قالب همین فرهنگ مخصوص به خود جای گرفته است. تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان از پیوند بین آزادی آکادمیک با فرهنگ اجتماعی و جامعه یاد کردند که نمی‌توان از تأثیرات متقابل دانشگاه و فرهنگ اجتماع و به طور کل جامعه بر یکدیگر غافل شد. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها و اهمیت موضوع آزادی بیان در محافل آکادمیک، این آزادی به نوعی بیانگر وجود آزادی فکری استادان می‌باشد. توانایی استاد در بیان دیدگاه‌های خود بدون خودسانسوری از پیش شرط‌های تحقق آزادی در بیان می‌باشد که فرهنگ انتقادناپذیری نمونه‌ای از مفاهیمی است که در سطوح مختلف سبب محافظه‌کاری بسیاری از استادان شده‌است؛ همچنین اطمینان آن‌ها از عدم ایجاد تغییر در دانشگاه مانع از ابراز نظرات و دیدگاه‌هایشان است. ضمن تحلیل مصاحبه‌ها اشارات زیادی به روابط اجتماعی در دانشگاه شد که از الزامات محیط‌های علمی می‌باشد؛ چرا که تولید علم منوط به ایجاد تعاملات و تبادلات علمی است و روابط بین استاد و دانشجو از پایه‌ای ترین الزامات محیط‌های یادگیری و علمی است. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان کرد: «نظام اخلاقی و فرهنگی ما چه در بُعد فردی چه در بُعد اجتماعی متاثر از الگویی‌ست که حاکمیت تعیین می‌کنه به طور ویژه در دانشگاه هم چنینه.» در جدول ۵ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی فرهنگی را مشاهده می‌کنید.

آزادی سازمانی مقوله‌هایی همچون تمرکزگرایی و عدم استقلال دانشگاه، آزادی بیشتر در گرو سابقه کاری بالاتر، آزادی مبتنی بر ماهیت رشته‌ها، آزادی ساختاری و تعهد سازمانی را شامل می‌شود. به زعم مصاحبه‌شوندگان سیستم آموزشی و اداری در وزارت علوم نیز همانند آموزش و پرورش، متمرکز است. این تمرکز سبب عدم استقلال دانشگاه در حوزه‌های مختلف می‌شود. بسیاری ازقوانین و دستورالعمل‌های موجود از سمت وزارت علوم و نهادهای دیگر به

جدول ۵. مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی فرهنگی

Table 5. Categories and concepts related to the theme of cultural freedom

مقوله‌ها Categories	مفاهیم Concepts
آزادی مبتنی بر مسائل سیاسی و فضای حاکم بر دانشگاه	آزادی در صورت عدم تعامل با دیگران و حضور در ائتلاف‌های سیستمی، وجود جناح‌بندی در دانشگاه، تعامل جناح‌های مختلف در دانشگاه، ضعف شایسته سالاری در استخدام و قدرت شبکه‌سازی افراد، محدود کردن آزادی از طریق فشار ائتلاف‌های داخلی، تبدیل شدن دانشگاه به حزب سیاسی، وجود روابط قدرت و سیاست در دانشگاه، ارتباط دوسویه قدرت و دانش، وجود فضای تهدید در دانشگاه، لزوم نداشتن جهت‌گیری‌های سیاسی در فضای آکادمیک، وجود محدودیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک، احساس کمبود آزادی در فضای دانشگاه، هزینه‌بر بودن مقابله با قدرت حاکمیت در دانشگاه، خفقان در فضای دانشگاه، گزینش و جذب اساتید بر اساس مواضع سیاسی گروه، قوانین نانوشته مبتنی بر جوّ دانشگاه، سیاست‌زدگی علم، آزادی در گرو سیاست‌های مدیران دانشگاه، متغیر بودن آزادی در دوره‌های مختلف سیاسی، محدودیت آزادی مبتنی بر رویکرد علمی دانشگاه، آزادی در حد شعار و در ظاهر
آزادی فرهنگی_اجتماعی	لزوم آزادی نسبی مدنی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه، لزوم تبعیت از هنجارهای اجتماعی، حمکرانی اخلاقی و فرهنگی دانشگاه، لزوم پایبندی به اصول اخلاقی، دغدغه‌مندی نسبت به مسائل اجتماعی، لزوم تسهیل‌گری دانشگاه در رابطه با ارتباط استاد با جامعه، القای قالب‌های فکری و غیرقابل انتقاد، تفکرات حاشیه‌ای محدودکننده در مورد استاد، آزادی در نتیجه تنوع فعالیت‌های معطوف به ارتباط با جامعه، تقابل جامعه و دانشگاه، وجود برخی آزادی‌های غیرمنطقی، امکان ناپذیری تغییر هنجارها، عدم احساس محدودیت در موضوعات اخلاقی، مطلوب نبودن محدودیت‌های اخلاقی در عرصه‌های علمی، آزادی در زمینه فرهنگی –اخلاقی، ضعف آزادی در تعاملات فرهنگی با دانشگاه‌های دیگر جهان، وجود محدودیت و حساسیت در دعوت از برخی سخنرانان، نقش فرهنگ و اخلاق در محدود کردن آزادی، وجود محدودیت‌های فرهنگی- مذهبی، وجود آزادی فرهنگی- اخلاقی در دانشگاه، وجود محدودیت‌های نامعقول در تفکیک جنسیتی کلاس‌ها، پایبندی به تعهدات اخلاقی در فعالیت‌های علمی، دین، تعیین‌کننده اصلی چارچوب‌ها، چالش برانگیز بودن نظرات در تقابل با دیدگاه‌های رسمی جامعه
آزادی مبتنی بر تعامل استاد–دانشجو	آزادی در روابط استاد و دانشجو، محدودیت در ارتباط استاد و دانشجو، محدودیت در روابط جنس مخالف، ترجیح دادن ارتباطات اجتماعی به مقالات متعدد
آزادی بیان	لزوم وجود آزادی بیان و عدم خودسانسوری، لزوم وجود آزادی بیان، لزوم وجود آزادی بیان بدون ترس و آسیب دیدن، محدودیت در بیان موضوعات حساسیت زا و داشتن تبعات برای استاد، عدم وجود آزادی بیان به دلیل جهت گیری‌های مخالف با مدیران، لزوم داشتن آزادی بیان، مطلق نبودن آزادی بیان، عدم محدودیت در بیان ایده‌ها و تفکرات، آزادی بیان در چارچوب‌های تعیین شده، رابطه آزادی بیان وآزادی فکری، محافظه کاری در بیان، محدودیت در بیان به دلیل سوء برداشت‌های شخصی، آزادی بیان فقط در محیط آکادمیک، آزادی بیان در محدوده کلاس درس، آزادی بیان مبتنی بر افکار، آزادی بیان در ارتباطات علمی، حساسیت زا بودن گفتگو در مسائل مذهبی و سیاسی، آزادی در بیان و به رسمیت شناختن استادان، عدم محدودیت در انتقاد به مسئولین، وجود محدودیت‌های درونی و بیرونی در بیان آراء و عقاید، محدودیت در بیان به دلیل به خطر افتادن منافع دیگران، رفتن به مراتب بالاتر مساوی با آزادی بیان کمتر، عدم احساس آزادی در مورد صحبت از روشنفکران دینی، تبعات داشتن انتقاد به مسئولین، محدودیت در انتقاد به سیستم دانشگاه، پایین بودن سطح روحیه نقدپذیری به دلیل ملاحظات فرهنگی اجتماعی، محافظه کاری به دلیل اطمینان از عدم تغییر، کمبود فضای نقد و تبادل علمی متأثر از فضای اجتماعی، محدودیت انتقاد علمی در جلسات دفاع، عدم وجود فضا برای نقد و تغییرپذیری در دانشگاه، ایجاد رشد مستلزم شنیدن نظرات مخالف و احترام به اندیشه دیگران، آزادی در برگزاری نشست‌های علمی، احساس آزادی فکری و نقد علمی در رشته‌های علوم پایه و فنی مهندسی، زدن برچسب‌های سیاسی به استاد

دانشگاه‌های سراسر کشور تحمیل می‌شود و استقلال عمل در سطوح مختلف از دانشگاه‌ها سلب می‌گردد. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها، با افزایش سابقه کاری استادان آزادی‌ها در ابعاد مختلف تا حدود زیادی افزایش پیدا می‌کنند؛ البته لازم به ذکر است ماهیت رشته‌ها مقوله ای به شدت تأثیرگذار بر آزادی آکادمیک می‌باشد. با توجه به نظر استادان آزادی علمی در رشته‌های علوم انسانی به دلیل حساسیت ویژه‌ی برخی از رشته‌ها بسیار محدود می‌باشد در حالی که در رشته‌های غیر از علوم انسانی حساسیت و محدودیت قابل توجهی وجود ندارد. همچنین در خلال مصاحبه‌ها مقوله ساختاری بیانگر برخی از محدودکننده‌های آزادی آکادمیک از جمله آیین نامه‌های تحمیل شده‌ی دست و پاگیر و تغییر مداوم آن‌ها، چارچوب‌های تعیین‌شده برای استادان و نظام نامناسب ارتقاء استادان است که تمامی از مهم‌ترین مفاهیم ذکر شده توسط مصاحبه‌شوندگان بودند. در انتها مقوله‌ی تعهد سازمانی بیانگر تعهد و عدم تعهد استادان می‌باشد. استادان تعهد سازمانی را در قالب تمایل به ترک دانشگاه و عدم تمایل به ترک دانشگاه به تصویر کشیدند که آزادی آکادمیک یکی از مؤلفه‌های مؤثر در بحث تعهد سازمانی می‌باشد. به طورنمونه مصاحبه‌شونده‌ای بیان داشت: «درون سازمانی که من قرار دارم به عنوان یک عنصر و یک عضو، طبیعتاً ضوابطی هست که من باید رعایت کنم و همه اعضای هیأت علمی. خارج از این هم، مرتبط با محیط اجتماعی هم البته محدودیت‌هایی داره که اونها هم در واقع رعایت میشه.» در جدول ٦ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی سازمانی را مشاهده می‌کنید.

جدول ٦. مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به مضمون آزادی سازمانی

Table 6. Categories and concepts related to the theme of organizational freed

مقوله‌ها Categories	مفاهیم concepts
تمرکزگرایی و عدم استقلال دانشگاه	عدم نقش آفرینی استاد در تدوین قوانین، تعیین برنامه‌درسی در وزارتخانه، مستقل نبودن دانشگاه و وجود نظام متمرکز و اعمال سیاست‌ها از بالا به پایین، آزادی در گرو استقلال دانشگاه، مداخلات نهادهای مختلف در دانشگاه
آزادی بیشتر در گرو سابقه کاری بالاتر	آزادی بیشتر استادان با سابقه و رسمی در تصمیم‌گیری‌ها، دغدغه امنیت شغلی استادان جدید الورود و پیمانی، نظارت سیستمی کمتر بر استادان با سابقه، تفاوت در ایده‌آل‌های استادان جوان و واقعیت، بی‌توجهی به نیازهای استادان جدید الورود، پایبندی بیشتر استادان جوان به قوانین
آزادی مبتنی بر ماهیت رشته ها	حداقل بودن محدودیت‌ها در رشته‌های غیر علوم انسانی، حساسیت‌زا بودن و محدودیت در رشته‌های علوم انسانی، نسبی بودن آزادی در رشته‌های مختلف، ایدئولوژی محور بودن علم در رشته‌های علوم انسانی، خودکنترلی طبیعی فرد در مواجهه با موضوعات حساسیت‌زا
آزادی ساختاری	آزادی بیشتر با سلسله مراتب سازمانی، محدودیت زیاد در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، آیین‌نامه‌ها اصلی‌ترین علت محدودیت آزادی، نظام نامناسب ارتقاء استادان، قوانین دانشگاه تعیین‌کننده آزادی، بایدها و نبایدهای تعیین شده برای استادان، قوانین و ضوابط درون و بیرون دانشگاه از محدودیت‌های آزادی، وجود قوانین و ضوابط اجتناب‌ناپذیر درون دانشگاه، آزادی به شرط رعایت چارچوب‌ها و چگونگی رعایت آنها، تدوین قوانین در جهت مچ‌گیری، تغییر مداوم آیین نامه‌ها، محدود شدن آزادی با جهت‌گیری‌های قانونی، وجود صورت‌گرایی در دانشگاه، تصویب قوانین یکسان برای تمامی رشته‌ها
تعهد سازمانی	تمایل به ترک دانشگاه، تمایل به ترک دانشگاه به دلیل وجود اندیشه‌های بزرگتر در شهرهای بزرگتر، تمایل به فعالیت در دانشگاه خارج از کشور به دلیل وجود فضای باز و آرام، تمایل به ترک دانشگاه به دلیل ایجاد تنوع، تمایل به ترک دانشگاه و فعالیت در دانشگاه خارجی به دلیل وجود آزادی عمل بیشتر، تمایل به فعالیت در دانشگاه خارجی به دلیل کسب تجارب جدید، تمایل به ترک دانشگاه به سبب کسب فرصت‌های بیشتر، تمایل به ترک دانشگاه برای ارتقای فضای علمی کشور، تمایل به فعالیت در دانشگاه خارج از کشور به دلیل ارتقا سطح علمی، ترک دانشگاه فردوسی مشهد و فعالیت در دانشگاه دیگر از

حیث توسعه تفکر خلاق و رشد علمی، تمایل به فعالیت در دانشگاه دیگری با امکانات بیشتر، تمایل به ترک دانشگاه به مدت محدود و همکاری با دیگر دانشگاه‌ها، تمایل به ترک موقت دانشگاه و فعالیت در فضای آموزشی دیگر، تمایل به ترک دانشگاه به دلیل سختگیری‌های زیاد، عدم تمایل به فعالیت در دانشگاه دیگر، عدم تمایل به ترک دانشگاه به دلیل یکسان بودن وضعیت قوانین وزارت علوم، عدم تمایل به ترک دانشگاه به علت چالش برانگیز بودن ورود به دانشگاه جدید، تمایل به ماندن در دانشگاه و تلاش برای تغییر و بهبود، عدم تمایل به ترک دانشگاه به دلیل مسائل زندگی شخصی، عدم تمایل به ترک دانشگاه به دلیل تعلق خاطر به دانشگاه فردوسی و کشور، عدم تمایل به ترک دانشگاه به علت نزدیک بودن بازنشستگی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده، همسو با شواهد موجود (Abu-Shaqra & Smadi, 2018؛ Al-Madi, 2013؛ Rupe, 2005؛ Kerlind & Kayrooz, 2003؛ Ceci et al., 2006؛ Mohammadzadeh et al., 2021؛ Salimi & Abdi, 2017؛ Dehghani et al., 2011) که از آزادی آموزش یاد کردند، این مطالعه نیز ذیل مضمون آزادی آموزشی تجربه متناقض اعضای هیأت علمی را بیان می‌کند. تجربه برخی از استادان در امور مربوط به آموزش به دلیل تعیین محتوای درسی و سرفصل‌ها، شیوه ارزشیابی دانشجویان، برنامه‌ریزی درسی و اتخاذ تصمیمات کاری، مبتنی بر وجود آزادی می‌باشد در حالی که ۱۲ نفر از استادان در مفاهیم قبلی و همچنین در انتخاب دانشجو تحصیلات تکمیلی، در ثبت حضور و غیاب دانشجوها، مواجهه با دانشجویان تازه وارد، قوانین آموزشی محدودکننده و واحدهای زیاد آموزشی که فرصت‌های زیادی را برای انجام دیگر امور دانشگاهی همچون پژوهش‌های عمیق را از آنها می‌گیرد، تجربه‌ای مبتنی بر سختگیری و محدودیت داشتند. همچنین با نظر به تفاوت‌هایی که در رشته‌های آموزشی مختلف همچون علوم پایه، مهندسی، کشاورزی و علوم انسانی وجود داشت، در مواردی که امکان تغییر زیادی در سرفصل دروس نبود، محدودیت در آموزش هم بیشتر بود. علاوه بر این با استناد به مطالعه Dehghani et al. (2011) استادانی که آگاهی بیشتری نسبت به قوانین دانشگاه دارند، بیشتر از سایر استادان تجربه‌ی آزادی دارند که در پژوهش حاضر نیز استادانی که از موضوع امکان تعیین سرفصل‌های درسی جدید و تصویب آن مطلع بودند، احساس آزادی بیشتری نسبت به استادان غیر مطلع، در تعیین محتوا و سرفصل‌های درسی داشتند. در مضمون آزادی پژوهشی نیز همراستا با پژوهش‌های Kerlind and Kayrooz (2003)؛ Abu-Shaqra and Smadi (2018)؛ Al-Madi (2013)؛ Rupe (2005)؛ Ceci et al. (2006)؛ Mohammadzadeh et al. (2021)؛ Salimi & Abdi (2017)؛ Dehghani et al. (2011)؛ پژوهش حاضر نیز همانند مضمون آموزشی، تجربه‌ی متفاوتی از اعضای هیأت علمی را بیان می‌کند. چنانکه در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه، آزادی بیشتری احساس می‌شود. زیرا محدودیت‌های انتخاب موضوع، روش تحقیق، شیوه انتشار که در رشته‌های علوم انسانی وجود دارد، در این رشته‌ها به چشم نمی‌خورد. پرداختن به علایق پژوهشی و به نوعی علاقه محور بودن پژوهش‌ها به جای مشتری محور بودن، آزادی در انتخاب موضوعات پژوهشی و مطلوب بودن فضای پژوهش در دانشگاه از مهم ترین مفاهیم مدنظر می‌باشد اما به دلیل اهمیت پژوهش به عنوان یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های اعضای هیأت علمی دانشگاه، تعداد ۱۳ نفر از استادان تجارب متفاوت خود را در قالب وجود سختگیری و محدودیت در انتخاب موضوع پژوهش به دلیل حساسیت در رشته‌های مربوط به علوم سیاسی، علوم اجتماعی و علوم دینی، جهت

دادن به موضوعات و علایق پژوهش استادان، محدودیت در انتشار و ارائه نتایج پژوهش‌ها و گنجاندن پژوهش در قالب‌های تعیین شده از سوی مجلات، مقاله محور شدن دانشگاه بدون توجه به کاربردی بودن پژوهش‌ها، جهت‌گیری‌های قانونی و آیین نامه‌های سختگیرانه پژوهشی به عنوان مثال چاپ مقالات فقط در ژورنال‌های مورد قبول دانشگاه و تعداد پژوهش‌ها که در تمدید قراردادهای استادان پیمانی و ترفیع استادان رسمی مؤثر است، از جمله تجربیات استادان در مضمون آزادی آموزشی بود. به زعم Nokkala and Bladh (2014) نگرانی‌ها در مورد آزادی آکادمیک عمدتاً بر آزادی تحقیق متمرکز است، که در نتیجه افزایش استقلال نهادی و مکانیسم‌های جدید هدایت محدود شده است. مهم‌ترین مفهومی که در رشته‌های فنی–مهندسی و علوم پایه به عنوان محدودیت از آن یاد شد، عدم وجود امکانات و بودجه کافی برای انجام پژوهش‌های کاربردی و عمیق است که Degefa (2015) و Kerlind and Kayrooz (2003) در پژوهش‌های خود مفهومی به عنوان آزادی آکادمیک به عنوان آزادی از کمبود امکانات را استخراج کردند و این مفهوم را به عنوان محدودکننده‌های خارجی تلقی کردند. همچنین Bennich-Bjorkman (2007) نیز در پژوهش خود تأمین بودجه مالی و امکانات لازم جهت انجام تحقیقات را از الزامات تحقق آزادی پژوهشی تلقی کرد. Burgess (2013) و Romanowski and Nasser (2010) در مطالعات خود به سخت، دشوار و مبهم بودن مفهوم و درک پیچیده و غالباً متناقض اعضای هیأت علمی از آزادی آکادمیک اشاره کردند که به استناد یافته‌های این پژوهش نیز، مفهوم آزادی آکادمیک تا حد زیادی بستگی به احساس و ادراک فرد دارد و همچنین برخی ویژگی‌های فردی استادان همانند قدرت مطالبه‌گری، نگرش واقع بینانه نسبت به محدودیت‌ها، درک صحیح از جبر و اختیار، داشتن سعه صدر و زیرکی، بر نوع نگرش آنها از آزادی آکادمیک مؤثر است و می‌تواند ادراک اعضای هیأت علمی از ماهیت آزادی در دانشگاه را تحت تأثیر قرار دهد که این نتیجه همسو با نتیجه مطالعه Kerlind and Kayrooz (2003) در نقش خود در درک آزادی آکادمیک است. علاوه بر این به استناد یافته‌های این پژوهش بسیاری از فرآیندهای دانشگاه و آیین نامه‌های آموزشی و پژوهشی سبب ایجاد تعارض بین وظایف عمومی و منافع شخصی استادان می‌شود به طوری که فرآیند جذب استادان، فرآیند تمدید قرارداد سالیانه، فرآیند تبدیل وضعیت، ترفیع و حتی فرآیند بازنشسته کردن اعضای هیأت علمی کاملاً با آیین‌نامه‌ها گره خورده است چنانچه اگر استادان امتیازات لازم را نتوانند کسب کنند، فرآیندهای مذکور دچار اختلال خواهدشد و همچنین امنیت شغلی آن‌ها به خطر خواهدافتاد که Kerlind and Kayrooz (2003) نیز در نتیجه مطالعه خود به آن اشاره کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش در مضمون آزادی فرهنگی که همسو با پژوهش‌های Laakso (2020) و Barger (2010)، تحقق آزادی آکادمیک تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌های ملی و دانشگاهی است؛ همچنین جوّ دانشگاه تا حد زیادی متأثر از جهت‌گیری سیاسی و دیدگاه‌های مدیران در دوره‌های مختلف در دانشگاه می‌باشد که همین موضوع سبب تجارب متفاوت اعضای هیأت علمی در دوره‌های مختلف سیاسی کشور و مدیریتی دانشگاه شده است. فرهنگ جامعه نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که باورها و ذهنیت و رفتار انسان‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر اجتماع کوچکی باورها، نگرش‌ها و مفروضات خاص خود را دارد و دانشگاه نیز به عنوان اجتماعی کوچکتر از جامعه، فرهنگ خاص خود را دارد و بسیاری از مناسبات انسانی در قالب همین فرهنگ مخصوص به خود جای گرفته است که به استناد پژوهش Rupe (2005) مفهوم آزادی آکادمیک بسیار متأثر از باورهای فرهنگی

جوامع می‌باشد به طوری که به بیان Walz (2017) آزادی آکادمیک در اجتماع دینی، متفاوت از اجتماع غیر دینی درک و معنا می‌شود. پس از تأثیرات و ارتباط متقابل دانشگاه و جامعه نمی‌توان غافل شد (Kerlind & Kayrooz, 2003؛ Abu-Shaqra & Smadi, 2018؛ Dehghani et al.2011). به استناد برخی مطالعات صورت گرفته (Laakso, 2020؛ Kerlind & Kayrooz, 2003؛ Abu-Shaqra & Smadi, 2018؛ Degefa, 2015؛ Al-Madi, 2013؛ Salimi & Abdi, 2017؛ Mohammadzadeh et al., 2021) اهمیت موضوع آزادی بیان در محافل آکادمیک که به نوعی بیانگر وجود آزادی فکری استادان می‌باشد، مورد تأکید قرار گرفت. همسو با نتایج این پژوهش توانایی استاد در بیان دیدگاه‌های خود بدون خودسانسوری از پیش شرط‌های اصلی تحقق آزادی بیان به شمار می رود. البته فرهنگ انتقادناپذیری در سطوح مختلف و همچنین اطمینان آن‌ها از عدم ایجاد تغییر در دانشگاه و ترس از برچسب زدن‌های سیاسی به استادان که از نتایج پژوهش Burgess (2013) نیز می‌باشد، مانع از ابراز نظرات و سبب محافظه‌کاری بسیاری از استادان شده است. به زعم Kerlind and Kayrooz (2003) و Laakso (2020)، همسو با پژوهش حاضر به مفهوم برقراری ارتباطات بین فردی در دانشگاه اشارات زیادی شد چراکه روابط اجتماعی از الزامات محیط‌های علمی می‌باشد و تولید علم منوط به ایجاد تعاملات و تبادلات علمی است و روابط بین استاد و دانشجو از پایه‌ای ترین الزامات محیط‌های یادگیری و علمی است که پژوهش حاضر نیز بر این مهم صحه گذاری می‌کند. بر اساس نتایج به دست آمده، سیستم آموزشی و اداری حاکم در وزارت علوم، متمرکز می‌باشدکه این تمرکز سبب عدم استقلال دانشگاه در حوزه‌های مختلف می‌شود. بسیاری ازقوانین و دستورالعمل‌های موجود از سمت وزارت علوم و نهادهای دیگر به دانشگاه‌های سراسر کشور تحمیل می‌شود و استقلال عمل در سطوح مختلف از دانشگاه‌ها سلب می‌گردد. به زعم Rupe (2005)، Salimi & Abdi (2017) و Mohammadzadeh et al. (2021) مفهوم استقلال دانشگاه از مهم‌ترین شروط تحقق آزادی آکادمیک می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش همچنین با افزایش سابقه کاری استادان و تبدیل وضعیت آنها از قراردادی به رسمی و پس از طی کردن مدارج علمی، آزادی‌ها در ابعاد مختلف تا حدود زیادی افزایش پیدا می‌کنند (Barger, 2010؛ Al-Madi, 2013؛ Abu-Shaqra & Smadi, 2018؛ Ceci et al., 2006؛ Dehghani et al. 2011). البته لازم به ذکر است ماهیت رشته‌های آموزشی مؤلفه ای به شدت تأثیرگذار بر آزادی آکادمیک می‌باشد. با توجه به نظر استادان آزادی علمی در رشته‌های علوم انسانی به دلیل حساسیت ویژه ی برخی از رشته‌ها بسیار محدود می‌باشد در حالی که در رشته‌های غیر از علوم انسانی حساسیت و محدودیت قابل توجهی وجود ندارد. نتیجه به دست آمده همراستا با نتایج Rupe (2005) که از القای تفکرات رهبران دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم اجتماعی گزارش کرد و Salimi and Abdi (2017) که آزادی تحت عنوان آزادی از تلقین و القاء شناسایی کردند، می‌باشد. ساختار دانشگاه نیز ذیل مضمون آزادی سازمانی، از اهمیت زیادی برخوردار است. قوانین دانشگاه، آیین نامه‌های تحمیل شده‌ی دست و پاگیر و تغییر مداوم آن‌ها، رواج صورت‌گرایی، چارچوب‌های تعیین‌شده برای استادان و نظام نامناسب ارتقاء استادان، قوانین و ضوابط درون و بیرون دانشگاه، محدودیت زیاد در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، محدود شدن آزادی با جهت‌گیری‌های قانونی، تصویب قوانین یکسان برای تمامی رشته‌ها از مهم‌ترین مفاهیمی است که در دیگر پژوهش‌ها (Bennich-Bjorkman, 2007؛ Barger, 2010؛ Dehghani et al., 2011) نیز به آنها پرداخته شد. یکی از نتایج جدیدی که در دیگر پژوهش‌ها به آن اشاره‌ای

نشده است، اما در این پژوهش استخراج شد، مقوله تعهد سازمانی می‌باشد. در این پژوهش تعهد سازمانی مساوی با وابستگی و انجام با اشتیاق امور در نظر گرفته شده است. می‌توان گفت نتیجه‌ی تعهد سازمانی منجر به ثبات شغلی خواهدشد. تعداد ۱۱ نفر از استادان به دلیل سابقه کاری زیاد، عرق به دانشگاه فردوسی مشهد، شهر مشهد و ایران و همچنین موضوعات مربوط به زندگی شخصی خود تمایلی به ترک دانشگاه فردوسی مشهد ندارند و تعداد ۷ نفر از استادان به دلیل نبود فضای باز و آرام، نبود آزادی عمل کافی، وجود امکانات بیشتر در دیگر دانشگاه، ارتقاء سطح علمی خود و کشور و مواردی از این قبیل، تمایل به ترک دانشگاه دارند. می‌توان خاطرنشان کرد که موضوع تعهد و عدم تعهد در استادان از جمله پیامدهای آزادی آکادمیک محسوب می‌گردد. با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر سخت‌گیری دانشگاه در مورد آیین نامه‌های پژوهشی و تأکید دانشگاه بر تعداد مقالات علمی پژوهشی چاپ شده در مجلات معتبر و گره زدن منافع استادان از جمله ارتقاء سطح علمی، تبدیل وضعیت و تمدید قراردادها پیشنهاد می‌شود سیاست‌های دانشگاه در حوزه پژوهشی و معیارهای مربوطه مورد بازنگری قرار گیرد. از این جهت ایجاد کمیته‌ای جهت سنجش آسیب‌شناسانه این مهم و تشکیل جلسات اتاق فکر برای تعیین معیارهای مناسب و قابل پیاده‌سازی برای اعضای هیأت علمی رشته‌های مختلف از سوی متخصصان امر پیشنهاد می‌شود.

محدودیت در انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی که به عنوان همکاران آموزشی و پژوهشی اعمال نقش می‌کنند، یکی از یافته‌های این پژوهش بود. نظر به اهمیت این امر نیاز است با توجه به علایق پژوهشی دانشجویان و میزان توانمندی آنها، استادان مربوطه قادر به انجام ارزیابی دقیق و بررسی‌های لازمه قبل از انتخاب دانشجو باشند.

تعداد واحدهای درسی زیاد استادان، یکی از نتایج حاصل از پژوهش می‌باشد. با توجه به مطالعه شواهد پژوهشی پیشنهاد می‌شود استادان با سابقه کاری بالاتر تعداد واحدهای درسی بیشتری را داشته باشند تا استادان بدو ورود و کم سابقه زمان بیشتری برای انجام تحقیقات و ارتقاء سطح علمی خود سپری کنند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر سختگیری در تصویب واحدهای درسی جدید و کاربردی، پیشنهاد می‌شود معیارهای تسهلیگری که به این امر کمک می‌کند در دستورالعمل‌های مربوطه لحاظ شود. کمبود امکانات و بودجه لازم جهت انجام پژوهش‌های فاخر و گسترده علی رغم تنظیم چشم اندازهای غیرواقع بینانه دانشگاه در حوزه‌های مختلف، از دیگر نتایج پژوهش بود که پیشنهاد می‌شود قبل از تنظیم بودجه پژوهشی برای دانشکده‌ها، تیمی متشکل از استادان گروه‌های آموزشی برنامه‌های پژوهش‌های آتی خود را ارائه کرده و برآورد دقیق‌تری از بودجه لازم در پژوهش‌ها و پروژه‌های گروه به دانشگاه اعلام نمایند. این کار به شفاف شدن میزان نیاز مالی پژوهش‌ها و واقع بینی هرچه بیشتر دانشگاه در تنظیم چشم انداز خود کمک می‌کند.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر، نویسنده دوم به‌عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبری کلی فرایند پژوهش و نیز بازبینی و نهایی‌سازی مقاله را بر عهده داشته است. نویسنده اول در تدوین طرح پژوهش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش اولیه مقاله مشارکت داشته است. نتیجه‌گیری، بسط و تفسیر یافته‌ها با مشارکت همه نویسندگان و همراهی نویسنده سوم به‌عنوان استاد مشاور انجام شده است. همه نویسندگان نسخه نهایی مقاله را بررسی و تأیید کرده‌اند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌کنند که در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ مؤسسه یا نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و تمامی هزینه‌های اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: انجام این پژوهش بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود. بدین‌وسیله از تمامی افرادی که در فرایند پژوهش مشارکت و همکاری داشتند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

دسترسی به داده‌ها: داده‌های پژوهش بنا بر درخواست معقول، از طریق نویسنده مسئول قابل دسترسی است.

استفاده از هوش مصنوعی: در آماده‌سازی، تحلیل، تفسیر یافته‌ها یا نگارش این مقاله به هیچ عنوان از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده نشده است.

ملاحظات اخلاقی: مشارکت در مصاحبه‌ها داوطلبانه بود و پیش از گردآوری داده‌ها، رضایت آگاهانه تمامی مصاحبه‌شوندگان اخذ شد. برای این پژوهش تأییدیه رسمی از کمیته اخلاق سازمانی دریافت نشده است.

References

Abu-Shaqra, R. K. Y., & Smadi, A. M. A. (2018). The Degree of Practicing Academic Freedom at the Jordanian Public and Private Universities in the Northern Region from the Point of View of the Faculty Members. *Journal of Curriculum and Teaching, 7*(1), 186-196. https://doi.org/10.5430/jct.v7n1p186

Alinejad, Sh. (2013). Predicting the degree of freedom of faculty members in criticizing scientific works and ideas based on self-efficacy and social capital. Master's thesis. Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Bahonar University, Kerman. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23831324.1393.8.27.4.7 [Persian]

Al-Madi, B. (2013). Academic freedom in Al al-Bayt University and the level of practicing it from the viewpoint of the faculty members based on some variables. *Educational Research and Reviews, 8*(13), 967-979. https://doi.org/10.5897/ERR12.002

Altbach, P. G. (2001). Academic freedom: International realities and challenges. *Higher Education, 41*(1-2), 205-219. https://doi.org/10.1023/A:1026791518365

Barger, B. M. (2010). Faculty experiences and satisfaction with academic freedom (Doctoral dissertation, University of Toledo). https://repository.library.northeastern.edu/files/neu:1203/fulltext.pdf

Bennich-Björkman, L. (2007). Has academic freedom survived? – An interview study of the conditions for researchers in an era of paradigmatic change. *Higher Education Quarterly, 61*(3), 334-361. http://dx.doi.org/10.1111/j.1468-2273.2007.00358.x

Burgess, A. (2013). Academic freedom & religious control: an interpretative phenomenological analysis into how seminary faculty make sense of academic freedom (Doctoral dissertation, Northeastern University). https://doi.org/10.17760/d20003015

Butterfield, J., & Levintova, E. (2011). Academic freedom and international standards in higher education: Contestation in journalism and political science at Moscow State University. *Communist and Post-Communist Studies, 44*(4), 329-341. http://dx.doi.org/10.1016/j.postcomstud.2011.10.008

Ceci, S. J., Williams, W. M., & Mueller-Johnson, K. (2006). Is tenure justified? An experimental study of faculty beliefs about tenure, promotion, and academic freedom. *Behavioral and Brain Sciences, 29*(6), 553-569. https://doi.org/10.1017/S0140525X06009125

Darbandi, M., Mansouri, S., Afghah, S., Mohammadi Dehchehshmeh, M., & Bahmani, S. (2024). Evaluation and ranking of the development level of universities in the provinces of Iran using the TOPSIS method., *Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz*, 32(2), 1–28. https://doi.org/10.22055/edus.2025.48178.3668 https://education.scu.ac.ir/article_20472_4574de8df340e170c04e23348d1b3b0d.pdf [Persian]

Darvishi, Z., Mohajeran, B., & Ashrafi Salim Kandi, F. (2022). Design and Validation of a Model for Research Development among Faculty Members and Instructors at Farhangian University. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, 29(2), 235-254. https://doi.org/10.22055/edus.2022.40862.3365 [Persian]

Degefa, D. (2015). Social Scientists' Understanding of Academic Freedom in Addis Ababa University, Ethiopia: A Descriptive Analysis. *Higher Education for the Future, 2(*1), 2-18. http://dx.doi.org/10.1177/2347631114558181

Dehghani, Y., Marzooqi, R., Faqih, N., & Fouladcheng, M. (2012). Investigating the degree of academic freedom of Shiraz University professors according to demographic variables. *Curriculum Research, 1*(2), 29-56. https://doi.org/10.22099/jcr.2012.249 [Persian]

De Groof, J., Neave, G. R., & Švec, J. (Eds.). (1998). Democracy and governance in higher education (Vol. 2). Martinus Nijhoff Publishers. https://doi.org/10.1007/s11233-020-09063-z

Dykstra, D. V., Moen, D., & Davies, T. (2011). Comparing Student and Faculty-Perceptions Related to Academic Freedom Protection. *Research in Higher Education Journal*, 14, 1-12. https://eric.ed.gov/?id=EJ1068811

Encyclopaedia Britannica. (2002). Academic freedom. In Encyclopaedia Britannica. Chicago, IL: Encyclopaedia Britannica, Inc. https://www.britannica.com/topic/academic-freedom

Ferdowsi University of Mashhad. (2021). The position of Ferdowsi University of Mashhad in the Leiden 2021 Evaluation System. https://intr.um.ac.ir/index.php/en/baygania/7882-2021the-position-of-ferdowsi-university-of-mashhad-in-the-leyden-2021-evaluation-system

Flick, U. (2006). An introduction to qualitative, research. Translated by H. Khalili, Tehran: Ney Publishing. https://nashreney.com/product/%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%85%D8%AF%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82-%DA%A9%DB%8C%D9%81%DB%8C/ [Persian]

Ghiashi Nadushan, S., & Nasiri, N. (2013). Examining the convergence of Iranian universities with world-class university components. *Journal of Research in Educational Systems, 8*(27), 79-97. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23831324.1393.8.27.4.7 [Persian]

Ghoorchian, N., & Shahrakipoor, H. (2010). Study of the World's Higher Education Assessment Systems to Propose an Appropriate Assessment Model for Iran's Higher Education Assessment system. *Journal of Future Studies Management, 2*(21), 1- 19. https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/6005613898501.pdf [Persian]

Gottfredson, L. S. (2010). Lessons in academic freedom as lived experience. *Personality and Individual Differences, 49*(4), 272-280. https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.01.001

Hoepner, J. (2019). Silencing behaviours in contested research & their implications for academic freedom. Australian Universities' *Review, 61*(1), 31-41. https://eric.ed.gov/?id=EJ1206763

Karimian, Z., Kajuri, J., Lotfi, F., & Amini, M. (2011). Academic management and accountability; The necessity of academic independence and freedom from the point of view of faculty members. *Education in Medical Sciences, 11*(8), 855-863. http://ijme.mui.ac.ir/article-1-1358-fa.html [Persian]

Kerlind, G. S. A., & Kayrooz, C. (2003). Understanding academic freedom: The views of social scientists. *Higher Education Research & Development, 22*(3), 327-344. http://dx.doi.org/10.1080/0729436032000145176

Laakso, L. (2020). Academic Mobility as Freedom in Africa, South African *Journal of Political Studies, 47*(4), Page 442-459. https://doi.org/10.1080/02589346.2020.1840023

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. Sage Publications. 416 pages https://books.google.com/books?id=2oA9aWlNeooC

Mohammadzadeh, M., Shirbagi, N., & Bolandhematan. K. (2021). Academic Freedom: A Qualitative Analysis of Representing the Experiences of Science Stakeholders in Iran. *Journal of Science & Technology Policy, 14*(2), 35- 50. https://jstp.nrisp.ac.ir/article_13895.html?lang=en#:~:text=10.22034/JSTP.2021.14.2.1326 [Persian]

Nazarzadeh Zare, M., Pourkarimi, J., & Zakirsalehi, G. (2016). Investigating the components of a world-class university in Iran: a survey of comprehensive universities in the country. *Science and Technology Policy, 8*(3), 13-24. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20080840.1395.9.3.3.9 [Persian]

Nikneshan, Sh. (2023). Academic Human and Academic Slavery. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, *30*(1), 169-188. https://doi.org/10.22055/edus.2023.42632.3417 [Persian]

Nokkala, T., & Bladh, A. (2014). Institutional autonomy and academic freedom in the Nordic context—similarities and differences. *Higher Education Policy*, *27*(1), 1-21. http://dx.doi.org/10.1057/hep.2013.8

Noorshahi, N. & Farastkhah, M. (2012). Quality of working life of faculty members based on their lived experience. *Higher Education of Iran*, *4*(2), 37-64. http://ihej.ir/article-1-633-fa.html [Persian]

Owusu-Ansah, C. (2015). Academic Freedom: Its Relevance and Challenges for Public Universities in Ghana Today. *Journal of Education and Practice*, *6*(5), 173-179. https://www.iiste.org/Journals/index.php/JEP/article/view/20034

Romanowski, M. H., & Nasser, R. (2010). Faculty perceptions of academic freedom at a GCC university. *Prospects, 40*(4), 481-497. http://dx.doi.org/10.1007/s11125-010-9166-2

Rupe, M. R. (2005). Higher education attorneys' perceptions regarding academic freedom and challenges to academic freedom (Doctoral dissertation, Western Michigan University). https://scholarworks.wmich.edu/dissertations/1055/

Salimi, J., & Abdi, A. (2017). Studying the ideas and perceptions of faculty members about the concept of academic freedom. *Iran Higher Education*, *9*(3), 55-78. http://dorl.net/dor/20.1001.1.20088000.1396.9.3.3.3 [Persian]

Smith, J. A., & Osborn, M. (2003). Interpretative phenomenological analysis. In J. A. Smith (Ed.), Qualitative psychology: A practical guide to methods (53–80). London, UK: Sage. http://dx.doi.org/10.1002/9780470776278.ch10

Strauss, A., & Corbin, J. (2011). Fundamentals of qualitative research: techniques and stages of generating grounded theory. Translated by Afshar, Tehran: Ney Publishing. https://doi.org/10.22099/jcr.2012.249 [Persian]

Taherpour, F & Pourshafei, H. (2025). The Multifaceted Model of Effective Recruitment of International Students in the Universities of the East of the Country. *Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz*, *32*(2), 249-272. https://doi.org/10.22055/edus.2025.47946.3651 [Persian]

Vardasbi, F., Arasteh, H., Navehebrahim, A., & Abdollahi, B. (2023). Identifying and Analyzing the Missions of the Graduate Studies. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, *30*(1), 61-80. http:// doi.org/10.22055/edus.2023.40317.3349 [Persian]

Walz, J. H. (2017). The Faculty Perceptions of Academic Freedom at Christian Colleges and Universities (Doctoral dissertation, Virginia Tech). https://vtechworks.lib.vt.edu/bitstream/handle/10919/78622/Walz_JH_D_2017.pdf?isAllowed=y&sequence=2

Zain-Al-Dien, M. M. (2016). Student Academic Freedom in Egypt: Perceptions of University Education Students. *Universal Journal of Educational Research*, *4*(2), 432-444. http://dx.doi.org/10.13189/ujer.2016.040218